

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

شوی شفافیت

سخنگوی دولت چهاردهم با انتشار یادداشتی تحت عنوان «مردم حق دارند بدانند»، شفافیت و صداقت با ملت را وظیفه‌ی ذاتی این دولت معرفی کرده و بر لزوم توضیح درباره‌ی تصمیم‌ها، دشواری‌ها و حتی هزینه‌های آن تأکید ورزیده است. با این حال، بررسی عملکرد دولت پزشکیان در حوزه‌های مختلف، نشان می‌دهد که رویه‌ی عملی این دولت، فاصله‌ای عمیق با ادعاهای مطرح‌شده دارد و «حق دانستن» مردم در عمل، با ابهام و سکوت پاسخ داده شده است.

۲



با حکم آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای،
نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی تغییر کرد

تغییر علی‌الاصول

کمتر از چهارماه پس از انتصاب محمدباقر ذوالقدر به عنوان نماینده رهبر انقلاب در شورای امنیت ملی و دبیری این شورا، محسن رضایی جایگزین او شد تا نارضایتی عمیق رهبر انقلاب از عملکرد این نهاد در ماه‌های اخیر که یکبار در جریان پیام علی‌الاصول آشکار شده بود، حالا بیش از پیش عیان شود.

۳



دغدغه وزیر ارشاد؛
فرهنگ یا بازگشت
خوانندگان لس‌آنجلسی؟

۸

تحریف عاشورا
به نام مذاکره

۷



از «یزید» تا «پهلوی»؛
نوکران حقیر صهیونیسم!

محسن ریسمان سنج
فعال سیاسی

صفحه ۵

اقتصادی

درآمد مالیاتی دولت زیر تیغ تورم

رکود اقتصادی پیش از جنگ، افت تولید و سرمایه‌گذاری، جنگ ۴۰ روزه، معافیت‌ها و فرار مالیاتی، دست دولت را در تأمین پایدار بودجه بسته‌اند و خطر استقراض و تشدید تورم را بالاتر برده‌اند؛ مسیری که هزینه آن را مردم می‌پردازند.

صفحه ۴

اقتصادی

گرانی‌ها صدای بهارستان را هم درآورد

انتقاد از گرانی‌ها به صحن مجلس شورای اسلامی کشیده شد؛ در شرایطی که مجلس پس از هفته‌ها وقفه در برگزاری عادی جلسات و در شرایط جنگی، فعالیت صحن را به شکل مجازی دنبال می‌کند، صدای اعتراض نمایندگان از وضعیت معیشتی مردم بلند شد.

سخنانی از سلطنت طلب‌ها منتشر شده که نه فقط از یزید بن معاویه تجلیل می‌کنند، بلکه مستقیماً به صهیونیست‌ها و شخص نتانیاهو درود می‌فرستند. این صحنه برای آگاهان به تاریخ اسلام و ایران، یک «رسوایی» نیست، یک «اعتراف» است. این جماعت، بی‌آنکه بخواهند، از لایه‌های پنهان هویت خود پرده برداشته‌اند و نشان دادند که اتحاد «قوم‌گرایی یهودی» و «استبداد اموی» علیه جریان حق طلبی تشیع، یک خط ممتد تاریخی است.

متن کامل در صفحه ۳

سخنگوی دولت از شفافیت و صداقت می‌گوید، اما رویه‌ای که دولت چهاردهم از ابتدای کار در پیش گرفته، خلاف این ادعاست

شوی شفافیت

سخنگوی دولت چهاردهم با انتشار یادداشتی تحت عنوان «مردم حق دارند بدانند»، شفافیت و صداقت با ملت را وظیفه‌ی ذاتی این دولت معرفی کرده و بر لزوم توضیح درباره‌ی تصمیم‌ها، دشواری‌ها و حتی هزینه‌های آن تأکید ورزیده

است. با این حال، بررسی عملکرد دولت پزشک‌یان در حوزه‌های مختلف، نشان می‌دهد که رویه‌ی عملی این دولت، فاصله‌ای عمیق با ادعاهای مطرح‌شده دارد و «حق دانستن» مردم در عمل، با ابهام و سکوت پاسخ داده شده است.



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

روز گذشته فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت پزشک‌یان در یادداشتی تحت عنوان «مردم حق دارند بدانند» پیرامون گفتگوی اخیر پزشک‌یان با مردم مدعی شد: «دولت چهاردهم بیش از هر چیز خود را موظف به صداقت با مردم می‌داند. صداقت نه فقط در بیان دستاوردها، بلکه در گفتن از دشواری‌ها، محدودیت‌ها و حتی هزینه تصمیم‌هایی که ناگزیر از اتخاذ آنها هستیم. مردم حق دارند بدانند دولت با چه مسأله‌ای مواجه بوده، چه انتخاب‌هایی پیش روی آن قرار داشته و چرا یک مسیر را بر مسیر دیگر ترجیح داده است.»

وی همچنین در بخشی دیگر از یادداشت خود آورده است: «دکتر پزشک‌یان از اولین روزها بر یک اصل تأکید داشته است: نمی‌توان بدون مردم برای مردم تصمیم گرفت. این نگاه زمانی معنای واقعی پیدا می‌کند که حتی در دشوارترین شرایط نیز جامعه از چرایی تصمیم‌ها کنار گذاشته نشود.» مهاجرانی همچنین در بخشی دیگر از یادداشت خود آورده است: «دولت وظیفه دارد این صداها را بشنود، همان‌طور که وظیفه دارد درباره تصمیم‌های خود توضیح دهد و هر جا لازم بود، در روش‌ها و سیاست‌ها بازنگری کند. در روزهای دشوار، لزوماً فاصله میان مردم و دولت با سکوت کمتر نمی‌شود. این فاصله را می‌توان با صداقت، شنیدن و توضیح دادن کاهش داد. مردم صاحبان این کشورند. دانستن حق آنان و پاسخگویی وظیفه ماست.»

این اظهارات در حالی مطرح شد که در جریان جنگ تحمیلی ۵ ماهه اخیر، مردم هیچ‌گونه اطلاعات، شفافیت و صداقتی از

سوی دولت مشاهده نکردند. کما اینکه در حوزه سیاست خارجی، از ابتدای آتش‌بس ۴۰ روزه و در دستور کار قرار گرفتن مذاکرات اسلام آباد و همچنین امضای تفاهم ۱۴ بندی از سوی پزشک‌یان، اطلاع مردم از اخبار مذاکرات بیشتر از سوی رسانه‌های آمریکایی دنبال می‌شد و این موضوع با سردرگمی و ابهامات جدی مردم همراه و در فضای فکری مردم التهاب و نگرانی نسبت به سرنوشت کشور به وجود آورده بود و این در حالی رقم خورد که چند هفته بعد از امضای تفاهم نامه، توضیحاتی از سوی قالیباف درباره تفاهم نامه ارائه شد. همچنین با انتشار پیام رهبر معظم انقلاب، مشخص گردید ایشان نظری متفاوت در مذاکره با آمریکا داشتند و خلاف نظر ایشان عمل شد. علاوه بر این رویه دولت در خصوص سرنوشت سهم ایران در دریای خزر نیز حاکی از هیچ‌گونه شفافیت و صداقت با مردم نیست.

از سوی دیگر از منظر آمارهای اقتصادی نیز دولت شفافیت و صداقتی با مردم نداشته است. نگاهی به بخش آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد از زمان بازگشت همتی به میرداماد، انتشار بسیاری از آمارهای کلیدی متوقف شده است. آخرین داده‌های موجود از برخی شاخص‌های مهم در سایه بانک مرکزی عبارتند از: تورم تولیدکننده: آذر ۱۴۰۴ / چک‌های مبادله‌ای: آبان ۱۴۰۴ / بودجه دولت: سال ۱۴۰۲ / شاخص اجاره مسکن شهری: ۱۴۰۱ / بودجه خانوار: ۱۴۰۳ / فعالیت‌های ساختمانی: ۱۴۰۳ / تولید کارگاه‌های بزرگ: ۱۴۰۲ / دستمزد کارکنان کارگاه‌های بزرگ: ۱۴۰۲ / شاخص اشتغال کارگاه‌های بزرگ: ۱۴۰۲ / نتایج کارگاه‌های بزرگ صنعتی: ۱۴۰۳

البته قابل ذکر است که این عدم شفافیت و

صداقت مردم صرفاً مربوط به دوران جنگ نمی‌شود، بویژه اینکه به هنگام روی کار آمدن دولت چهاردهم، کارگروه‌هایی برای تعیین وزرای دولت پزشک‌یان تعریف شد تا بنا بر صلاحیت و شایستگی انتخاب وزرا صورت پذیرد. در همین ایام محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه از طرف مسعود پزشک‌یان رئیس جمهور منتخب به عنوان رئیس شورای راهبری انتخاب اعضای هیات دولت چهاردهم منصوب شده بود. این در حالی بود که ابهامات زیادی پیرامون این موضوع رخ داد و اعتراضات شدیدی نسبت به نامزدی بودن این کارگروها شکل گرفت. و عملاً هیچ‌گونه صداقت و شفافیتی از سوی دولت با مردم مشاهده نشد. موری بر انتصابات دولت پزشک‌یان نیز تأیید کننده همین مطلب است.

مسعود پزشک‌یان که طی گفتگوی اخیر خود با مردم در صداوسیما مکرراً از ضرورت شایسته سالاری و انتصاب افراد توانمند و متخصص در مسئولیت‌های مختلف صحبت کرده است. رویه وی و دولت چهاردهم تأیید کننده سخنان پزشک‌یان نیست. به عنوان نمونه برخی از انتصابات دولت چهاردهم به شرح زیر است: «داماد رئیس جمهور؛ دستیار رئیس دفتر رئیس جمهور»، «فرزند رئیس جمهور؛ مشاور رئیس دفتر رئیس جمهور»، «همسر رئیس مجلس عضو ستاد ملی زن و خانواده»، «برادر وزیر ارتباطات؛ معاون فرهنگی و اجتماعی معاون اول»، «همسر رئیس دفتر روحانی؛ مشاور و وزیر و مدیرکل بانوان وزارت کشور»، «برادر وزیر ارتباطات؛ مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری مسکن جنوب»، «آقازاده وزیر اسبق کشور؛ معاون پشتیبانی نهاد ریاست جمهوری»، «آقازاده وزیر اسبق کار؛ دبیر کمیسیون علم و فناوری دفتر دولت» و... صدها نمونه دیگر...

گزارش کوتاه

استاندارد دوگانه دولتی‌ها درباره توهین به مقامات

گروه سیاسی: روز گذشته علی زینی‌وند، سخنگوی وزارت کشور علی زینی‌وند در نشست خبری با خبرنگاران اظهار داشت: حاکمیت متشکل از تعداد محدودی از افراد نیست همه ایرانیان داخل و خارج جزو حاکمیت هستند. اینکه کسی خودش را نماینده رهبری و اسلام بداند درست نیست ما نمی‌توانیم به ۹۰ میلیون آدم بگوییم چه بگویند. هیچ کس حق ندارد در تریبون‌های رسمی به مقامات توهین کند یا رهبری را برای جناح خاصی بداند و دیدید که رهبری هم موضع گیری می‌کنند. وی افزود: توهین به رئیس جمهور جرم است اینکه بیا باید در تریبون رسمی هر چه می‌خواهید به رئیس جمهور بگویید این موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. نکته قابل توجه این است که وزارت علوم، دانشجویان هتاک به رهبر شهید انقلاب را که در جریان اغتشاشات بهمن سال گذشته دانشگاه و همچنین آشوب‌های پیشین، اخراج شده بودند، بار دیگر اجازه ورود به دانشگاه و گذراندن دوره‌های تحصیلی شان داد. حسین سیمایی صراف؛ وزیر علوم دولت چهاردهم در شهریورماه ۱۴۰۴ اعلام کرده بود: «ما مانعی برای تحصیل هیچ دانشجویی نداریم. به پرونده تمام دانشجویانی که بنا بر دلایل مختلف اعم از اتفاقات (۱۴۰۱) (اعتراضات بعد از جانباختن مهسا امینی در تاریخ ۲۵ شهریور) از تحصیل محروم شده بودند، رسیدگی شد و همگی به دانشگاه برگشتند. اگر دانشجویی فکر می‌کند مشمول این فرایند بازنگری می‌شده اما همچنان از تحصیل محروم است، حتماً به سازمان دانشجویان مراجعه کند.»

البته که نباید نسبت به توهین و هتاک‌های مقامات رسمی کشور بی تفاوت ماند، اما سوالاتی مهمی که مطرح میشود، این است چگونه دولت چهاردهم نسبت به هتاک‌های علنی به ساخت رهبر شهید انقلاب بی تفاوت مانده و فضا را برای بازگشت هتاکان به دانشگاه باز کرد، اما اکنون سخنگوی وزارت کشور به دنبال بستن فضای هرگونه نقد به رئیس جمهور است؟

خبر کوتاه

حجت الاسلام رستمی: جریان مقاومت در دانشگاه‌های جهان پیگیری می‌شود

روز گذشته رئیس نهاد نمایندگی در دانشگاه‌ها با بیان اینکه نهاد رهبری جریان مقاومت در دانشگاه‌های جهان را پیگیری می‌کند اظهار داشت: پیام‌هایی را از طرف دانشجویان و اعضای هیئت علمی به دانشگاهیان دنیا ارسال کرده ایم.

کلیات طرح اقدام راهبردی تأمین امنیت و پیشرفت پایدار تنگه هرمز تصویب شد

علی خضریان، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در حساب کاربری خود اعلام کرد: با توجه به موقعیت راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز و لزوم اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به منظور پیشگیری از تکرار اقدامات خصمانه علیه ایران، کلیات طرح اقدام راهبردی تأمین امنیت و پیشرفت پایدار تنگه هرمز با اجماع اعضای حاضر در جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تصویب شد.

نقدعلی: قالیباف از مسئولیت مذاکرات استعفا دهد تا به کارهای مجلس برسد

نماینده خمینی شهر در جلسه مجازی روز گذشته مجلس در تذکری خطاب به قالیباف (که البته در جلسه غایب بود) گفت: بهتر است آقای قالیباف از ریاست تیم مذاکره کننده و مسئولیتش در مسائل هماهنگی با چین استعفا دهد تا به کار اصلی خودش که اداره امور مجلس است برسد. وی افزود: مردم از ما می‌پرسند برنامه مجلس برای معیشت مردم چیست؟ با توجه به وضع فعلی مجلس پاسخی برای این مساله نداریم.

دولت

سایه جنگ چگونه از کشور دور می‌شود؟



مسعود پزشک‌یان روز گذشته در آیین گرامیداشت چهل و ششمین سالگرد تشکیل جهاد دانشگاهی گفت: "باید تلاش کنیم جنگ و سایه آن را از سر کشور دور کنیم، چرا که در این شرایط نمی‌توان به رشد و اعتلای ایران اسلامی اندیشید." بیان این سخنان از سوی رئیس دولتی که طی دو سال مسئولیتش، دو جنگ و یک کودتا بر کشور تحمیل شده و از آن مهتر شعار ایام انتخاباتی او، دور کردن سایه جنگ از ایران بوده، قابل تأمل است. این موضع رئیس دولت از این جهت مهم است که او دو سال قبل در ایام انتخابات نیز همین وعده را داده بود اما همچون ده‌ها وعده دیگرش موفق به اجرای آن نشد. از این رو این گمان می‌رود که خطای محاسباتی که موجب تحمیل دو جنگ بر کشور در دولت پزشک‌یان شد، اصلاح نشده و دوباره هزینه‌های متعددی را بر ایران تحمیل کند. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان، ضعیف‌نمایی از شرایط کشور و توانمندی‌های مجموعه‌های مختلف ایران سهمی قابل توجه در ترغیب آمریکا و رژیم صهیونیستی به تجاوز علیه کشورمان داشته است. از این جهت به نظری رسد پزشک‌یان اگر به دنبال دور کردن سایه جنگ از کشور است، می‌بایست نخست در جهت‌گیری‌ها و مواضع شخصی خود و دولتش تجدید نظر کند.

دیدار و گفت‌وگوی رئیس‌جمهور با رهبر معظم انقلاب



به گزارش نوبنیاد، مسعود پزشکیان هم‌زمان با شروع سومین سال ریاست جمهوری، با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار، درباره مسائل و مشکلات

کشور، به‌ویژه تأمین نیازهای معیشتی مردم، شرایط موجود جنگ تحمیلی سوم و آینده پیش‌رو، به تفصیل تبادل نظر شد. تحولات حوزه نظامی، راهکارهای تأمین منابع و مدیریت مصارف ریالی، ارزی و انرژی و همچنین تعامل اقتصادی با طرف‌های خارجی، از دیگر محورهای این دیدار بود. رئیس‌جمهور و رهبر معظم انقلاب در این دیدار، درباره مهم‌ترین مسائل کشور و راهکارهای ناظر بر تأمین معیشت مردم، مدیریت منابع و مصارف و تعاملات اقتصادی خارجی گفت‌وگو کردند.

پزشکیان همچنین روز شنبه ۱۷ مرداد در گفت‌وگو با خبرنگاران گفته بود: اینکه ما

جنگیم یا نه، بهتر از من و شما، فرماندهان جنگ می‌دانند. آنها قدرت خودشان را می‌دانند. رهبری تصمیم می‌گیرد و هر تصمیمی ایشان بگیرد، ما تا آخر ایستاده‌ایم. تکلیف جنگ با دولت نیست؛ هم در قانون با دولت نیست و هم در ادامه با دولت نیست. دولت جایی است که باید تدارکات را فراهم کند. ما تا پای جان ایستاده‌ایم. شهادت شیرین‌ترین چیزی است که الان بنده آرزویش را دارم. از جنگیدن و ماندن نمی‌ترسم؛ نه تنها نمی‌ترسم، بلکه خیلی وقت‌ها با این کار خودمان را در معرض خطر قرار می‌دهیم. من که نمی‌توانم مثلاً خودم را از کار کنار بکشم، جلسه نگذارم و پیگیری نکنم. حالا ممکن است یک روز ما را ترور کنند؛ خوب، بکنند.

با صدور حکمی از سوی حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای دکتر محسن رضایی به عنوان نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی منصوب شد

تغییر علی‌الاصول

پس از پیام تاریخی رهبر معظم انقلاب درباره تفاهم‌نامه روسای جمهور ایران و آمریکا و طرح علنی مخالفت شان با فرایند طی شده که ذیل کلیدواژه "علی‌الاصول نظر دیگری داشتیم"، پریسامد شد، انتقادات از دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی شکل گرفت. منتقدان بر این باور بودند که شان دبیرخانه شعام، پیگیری خطوط ترسیم شده توسط رهبر معظم انقلاب در حوزه‌های امنیتی و سیاست خارجی است و تصویب تفاهم‌نامه در این نهاد با وجود "نظر دیگر" رهبر انقلاب، طبعاً انتقاداتی را برانگیخت.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی شکل گرفت. منتقدان بر این باور بودند که شان دبیرخانه شعام، پیگیری خطوط ترسیم شده توسط رهبر معظم انقلاب در حوزه‌های امنیتی و سیاست خارجی است و تصویب تفاهم‌نامه در این نهاد با وجود نظر دیگر رهبر انقلاب، طبعاً انتقاداتی را برانگیخت.

همین امر موجب شد تا طی هفته‌های اخیر موضوع استعفا یا برکناری ذوالقدر به عنوان نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی به کرات در رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی شنیده شود. روز گذشته یکی از رسانه‌های حامی دولت استعفا ذوالقدر از دبیری شورای عالی امنیت ملی را تایید کرد و البته مدعی شد که پزشکیان با این استعفا مخالفت کرده است. در این شرایط این سوال مطرح است که استعفای ذوالقدر تنها ۴ ماه پس از انتصاب به این جایگاه علیرتبه ارتباطی با پیام علی‌الاصول رهبری داشته است یا خیر. دبیری شورای عالی امنیت ملی با توجه به شرایط خطیر و حساس آن، مسئولیتی نیست که طی چند ماه جابجا شود و بجز شهید علی لاریجانی که با شهادت، این مسئولیت را ترک گفته، مابقی دبیران شعام چند سال و بلکه بیش از یک دهه عهده‌دار این مسئولیت بوده‌اند. از جمله حسن روحانی ۱۶ سال، سعید جلیلی ۷ سال و شهید علی شمخانی نیز حدود ده سال مسئولیت دبیری شعام را برعهده داشتند.

طبق یک سنت نانوشته از ابتدا، یکی از نمایندگان رهبری در شعام به عنوان دبیر از جانب رئیس‌شورای عالی امنیت ملی منصوب می‌شد، قاعده‌ای که درباره محمدباقر ذوالقدر نیز رعایت شد. اما آنچه از اخبار این روزها به چشم و گوش می‌رسد، آن است که با وجود تغییر نمایندگی رهبری انقلاب از ذوالقدر به محسن رضایی، رئیس‌جمهور بر دبیری محمدباقر ذوالقدر حتی با وجود... با توجه به قطعی بودن انتصاب محسن رضایی بعنوان نماینده رهبر



انقلاب در شورای عالی امنیت ملی که اخبار آن از چند هفته قبل به گوش می‌رسید، مقاومت دولت برای عدم جابجایی در شعام سوال برانگیز بود. همچنین شب گذشته ذوالقدر با وجود استعفا و اطلاع از حکم رهبر انقلاب برای محسن رضایی، اقدام به اعلام موضع و صدور بیانیه درباره تنش‌های ایران و آمریکا کرد که جای سوال دارد.

گفتنی است که پزشکیان اخیراً در گفتگو با خبرنگاران تصریح داشته است که «رهبری تصمیم می‌گیرد و هر تصمیمی ایشان بگیرد، ما تا آخر ایستاده‌ایم.» ادعایی که به نظر می‌رسد با توجه به اصرار و تلاش وی بر ماندن ذوالقدر در شعام طی هفته‌های اخیر محل بحث است.

تغییر زود هنگام نمایندگی رهبری انقلاب در شورای عالی امنیت ملی، از عدم رضایت عمیق ایشان نسبت به روند طی شده در ماه‌های گذشته در این نهاد مهم تصمیم‌گیری در حوزه امنیت ملی حکایت دارد، نهادی که دل آن تفاهم‌نامه اسلام آباد بیرون آمد که به رهبر انقلاب در پیام مشهود خود مخالفت‌شان با این تفاهم‌نامه را اعلام کردند.

درگیری در تنگه هرمز و تلاش برای حفظ این تنگه، واز طرفی اصرار برخی جریانات داخلی برای باز شدن تنگه مذکور، در این برهه از مهم‌ترین دستور کارهای شورای عالی امنیت ملی است که بنظر می‌رسد تغییر نماینده رهبری انقلاب در این نهاد، بیانگر رویکرد منظر ایشان در پیگیری این پرونده است.

یادداشت

از «یزید» تا «پهلوی»؛ نوکران حقیر صهیونیسم!

محسن ریسمان سنج
فعال سیاسی

سخنانی از سلطنت طلب‌ها منتشر شده که نه فقط از یزید بن معاویه تجلیل می‌کنند، بلکه مستقیماً به صهیونیست‌ها و شخص نتانیا‌هو درود می‌فرستند. این صحنه برای آگاهان به تاریخ اسلام و ایران، یک «رسوایی» نیست، یک «اعتراف» است. این جماعت، بی‌آنکه بخواهند، از لایه‌های پنهان هویت خود پرده برداشته‌اند و نشان دادند که اتحاد «قوم‌گرایی یهودی» و «استبداد اموی» علیه جریان حق طلبی تشیع، یک خط ممتد تاریخی است.

برای درک این هم‌آغوشی شرم‌آور میان سلطنت طلبی پهلوی چی و صهیونیسم کودک کش، باید به ۱۴۰۰ سال پیش بازگردیم.

آن زمان معاویه برای تثبیت سلطنت موروثی خود، نیازی حیاتی به یک پشتوانه فکری و فرهنگی داشت که از اسلام نبوی فاصله بگیرد. فکرمی کنید این پشتوانه را چه کسی تأمین کرد؟

مورخان بزرگ جهان اسلام مانند ابن عساکرو ابن حجر عسقلانی تصریح می‌کنند که مشاور ویژه و رئیس دستگاه تبلیغاتی معاویه، یک یهودی به ظاهر مسلمان شده به نام «کعب الاحبار» بود.

اوباجعل روایات و ترویج اسرائیلیات، نظریه «سلطنت به تقدیر الهی» را برای معاویه طراحی کرد و به مردم شام تلقین کرد که حاکم، سایه خدا بر زمین است و قیام علیه معاویه و یزید شرک است. این یعنی تیغ یزید بر گلوای امام حسین (ع)، در کارگاه فکری یهودی‌تباران دربار اموی ساخته شد. یزید، محصول پروژه «سلطنت طلبی اموی-اسرائیلی» بود.

از قضا شباهت سلطنت‌طلبان با صهیونیست‌ها، تنها سیاسی هم نیست، بلکه شباهت فکری هم دارند. بنی‌امیه خلافت را که مبتنی بر شایستگی و تقوا بود، به «ملک» (پادشاهی موروثی) تبدیل کردند. آنان آشکارا اعلام کردند: «لَا يَزَالُ هَذَا الْأُمَرُ فِي بَنِي أُمَيَّةَ مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ» (حکومت تا ابد در خاندان ما می‌چرخد).

این همان منطق «قوم برتر» و «نژاد برتر» صهیونیسم است که غریهودیان را انسان نمی‌داند. سلطنت‌طلبان پهلوی چی نیز با تبعیت از جامانده پهلوی دقیقاً همین انحصار طلبی نژادی را بازتولید می‌کنند. تجلیل آنان از یزید، تجلیل از سلطه موروثی بر مردم ضایع کردن حق مردم برای تعیین سرنوشت شان است.

امروز هم سلطنت‌طلبان پهلوی چی، مانند اسلاف اموی شان آشکارا تل‌اویور را به عنوان «قلبه سیاسی» خود برگزیده‌اند. آنان که گهگاه برای «ایران بزرگ» اشک تمساح می‌ریزند، امروز در رسانه‌های صهیونیستی علیه تمامیت ارضی ایران مصاحبه کرده و از تجزیه طلبی حمایت می‌کنند و به صورت عجیبی احساس تناقض نمی‌کنند.

روشن است چرا این گروه‌ک مریض واجب‌المطب از یزید حمایت می‌کنند! یزید از نماد «تسلط حاکمیت خونریز و وحشی بر مردم» است. حاکمیتی که طی سه سال حکومت سال اول کربلا را رقم زد. سال دوم در مدینه فاجعه حره را رقم زد و سال سوم کعبه را به آتش کشید. سلطنت‌طلبانی که مدام از شاه شان می‌گویند، به خوبی می‌دانند که پادشاه‌شان جز با الگو برداری از وحشی‌گری یزید امکان حکومت نداشت. آن‌ها از یزید تشکر می‌کنند، چون یزید به آنان یاد داد که با «سلاخی انسان» و «ترویج فساد» می‌توان بر یک ملت حکومت کرد.

داود منظور: جنگ ایران، شوک تازه‌ای به اقتصاد جهان وارد کرد



سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) اعلام کرد که شاخص قیمت مواد غذایی در جهان در ماه جولای (تیرماه) به بالاترین سطح خود از ژانویه ۲۰۲۳ (دی ۱۴۰۱) رسیده است. براساس گزارش فائو، میانگین شاخص قیمت مواد غذایی در ماه جولای به ۱۳۱.۱ واحد رسید که نسبت به ماه ژوئن (خرداد) با رقم ۱۳۰.۳ واحد، افزایش داشته است. این بالاترین سطح ثبت شده از ژانویه ۲۰۲۳ محسوب می شود. این افزایش قیمت ها در حالی رخ می دهد که کارشناسان نسبت به بازگشت فشارهای تورمی به بازارهای جهانی مواد غذایی هشدار می دهند. درگیری های ژئوپلیتیکی و اختلالات اقلیمی، هزینه های تولید و عرضه محصولات کشاورزی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

داود منظور، رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه،

تاکنون، هنوز به قله ۲۰۲۲ نرسیده است. پس شدت اختلال عرضه را نباید با ارتفاع نهایی قیمت یکی دانست. ذخایر، افزایش عرضه سایر تولیدکنندگان و تعدیل تقاضا، بخشی از شوک را جذب کرده اند. نکته مهم تر، شکاف فزاینده میان آمریکا و اروپاست. قیمت گاز اروپا به بیش از شش برابر آمریکا رسیده است. این دیگر صرفاً مسئله تورم نیست؛ تداوم چنین شکافی می تواند رقابت پذیری صنایع اروپایی، محل سرمایه گذاری و حتی جغرافیای تولید جهانی را تغییر دهد. پیام اصلی روشن است: اقتصاد جهانی هنوز عمیقاً در گرو ژئوپلیتیک انرژی است. شوک ۲۰۲۲ از جنگ روسیه و اوکراین برخاست و شوک ۲۰۲۴ از جنگ ایران؛ اما در هر دو مورد، انرژی به کانالی برای انتقال بحران به تورم، تجارت، صنعت و رشد جهانی بدل شده است.

در صفحه شخصی خود در فضای مجازی، به بررسی آثار جنگ ایران بر روند قیمت کالاهای جهانی، بازار انرژی و شکاف قیمتی گاز میان آمریکا و اروپا پرداخته است. او نوشت: حمله آمریکا به ایران روند نزولی بازار جهانی کالاها را متوقف کرده است. پس از شوک بزرگ ۲۰۲۲ که با حمله روسیه به اوکراین و اختلال در بازارهای نفت، گاز، غلات و کود شکل گرفت، قیمت ها در سال های بعد رو به کاهش گذاشتند؛ اما جنگ ۲۰۲۴ بار دیگر این مسیر را معکوس کرده است. بانک جهانی پیش بینی می کند قیمت کل کالاهای جهانی در ۲۰۲۴ حدود ۱۶ درصد و قیمت انرژی نزدیک به ۲۴ درصد افزایش یابد. تفاوت مهم با ۲۰۲۲ آن است که کانون شوک کنونی، بیش از هر چیز، در بازار انرژی و گلوگاه های انتقال آن متمرکز است. باین حال، جهش قیمت انرژی در ۲۰۲۴، دست کم

عملکرد دولت پزشکین سفره ها را کوچک کرد؛

گرانی ها صدای بهارستان را هم درآورد

انتقاد از گرانی ها و عملکرد اقتصادی دولت به صحن مجلس شورای اسلامی کشیده شد؛ در شرایطی که مجلس پس از هفته ها وقفه در برگزاری عادی جلسات و در شرایط جنگی، فعالیت صحن را به شکل مجازی دنبال می کند، صدای اعتراض نمایندگان از وضعیت معیشتی مردم بلند شد. در همین حال، آمارهای تورمی تیرماه از تورم نقطه به نقطه ۸۷.۹ درصدی و تورم بیش از ۱۲۹ درصدی گروه خوراکی ها حکایت دارد.

بانکی متصل به کد ملی، افزایش سهم CNG، برق و LPG در سبد سوخت و اجرای سیاست توزیع عادلانه یارانه انرژی را عملیاتی کند. نمایندگان خطاب به رئیس دولت چهاردهم نوشته اند: متأسفانه دوباره شنیده شده که دولت... همچنان بر طبل گران سازی می کوبد. این عبارت نشان می دهد نگرانی نمایندگان فقط درباره قیمت فعلی بنزین نیست؛ بلکه درباره احتمال تصمیم جدید دولت برای افزایش نرخ ها نیز هشدار داده شده است. نمایندگان بر تخصیص سهمیه براساس کد ملی تأکید کرده اند و نوشته اند: کشور هیچ راهی جزاره اندازی زیرساخت تخصیص سهمیه سوخت براساس کد ملی ندارد. این طرح، در صورت اجرا، می تواند مسیر توزیع یارانه سوخت را تغییر دهد؛ به گونه ای که برخورداری از یارانه، لزوماً به داشتن خودرو وابسته نباشد.

دولت پشت جنگ پنهان نشود

رستگار یوسفی، نماینده پاهو، نیز در تذکری گفت: دولت خود را پشت شرایط جنگی و اضطراب پنهان کرده است. او بیان اینکه یک ورق قرص از ۲۰۰ هزار تومان به ۳ میلیون تومان رسیده است، ادامه داد: تا کی باید بگوییم شرایط اضطراب است و نقش آفرینی مجلس در شرایط اضطراب کجا دیده می شود؟ حاجی بابایی نیز در پاسخ به این نماینده گفت: دولت باید درباره گرانی هایی که به مدیریت و عملکرد مربوط می شود، پاسخگو باشد و شأن مردم این نیست که در این وضعیت، برخی گرانی هایی را که مربوط به جنگ نیست، تحمل کنند. کارنامه اقتصادی دولت چهاردهم را اگر نه با شعارها، بلکه با واقعیت زندگی مردم بسنجیم، نتیجه چندان قابل دفاع نیست. تورم مزمن، جهش قیمت کالاهای اساسی و کاهش قدرت خرید خانوارها نشان می دهد سیاست های اقتصادی دولت هنوز نتوانسته ترمز گرانی را بکشد. در نهایت، مردم هستند که هزینه تصمیم های نادرست و سیاست های ناکارآمد را از جیب خود می پردازند. در این میان، نرخ ارز به یکی از مهم ترین نقاط ضعف سیاست گذاری دولت تبدیل شده است. نوسانات شدید بازار ارز و کاهش ارزش پول ملی، مستقیماً هزینه تولید، واردات و در نهایت قیمت کالا و خدمات را بالا می برد. نمی توان انتظار داشت دلار بی ثبات باشد، اما قیمت ها و معیشت مردم ثبات داشته باشد.

حتی برای نشان دادن فاصله میان انتظار مردم و وضعیت موجود، به همراهی مردم در شرایط جنگی اشاره کرد و گفت: حق مردمی که حدود ۱۶۰ شب در خیابان ها حضور پیدا کردند و قدرت مندانه از این کشور دفاع کردند، گرانی نیست. رضایت مردم، حرف اول و آخر مجلس است. اهمیت این انتقادها زمانی بیشتر می شود که مجلس شورای اسلامی در ماه های اخیر عملاً از شرایط عادی فعالیت خود فاصله گرفته بود. پس از آغاز جنگ، برگزاری جلسات حضوری صحن مجلس با محدودیت مواجه شد و جلسات علنی برای مدتی متوقف شد. هرچند در این مدت، کمیسیون های مجلس فعال بودند، اما جلسات صحن علنی تعطیل بود.

هشدار مجلس به پاستور درباره بنزین

اما گرانی فقط به قیمت کالاهای اساسی محدود نمی شود. بنزین نیز بار دیگر به یکی از نقاط اختلاف مجلس و دولت تبدیل شده است. در همان روز، روح‌الله کرآزاد، عضو هیأت رئیسه مجلس، بیانیه ای را قرائت کرد که به گفته او، به امضای اکثریت نمایندگان رسیده بود؛ بیانیه ای خطاب به رئیس جمهور که محور اصلی آن مخالفت با تکرار سیاست افزایش قیمت بنزین و تأکید بر سیاست های غیرقیمتی بود. نمایندگان در این بیانیه یادآوری کردند که مجلس در آبان ۱۴۰۴، پیش از اجرای نرخ سوم بنزین، نامه ای با امضای بیش از ۲۰۰ نماینده به رئیس جمهور ارسال کرده و نسبت به اجرای شوک قیمتی هشدار داده بود. با وجود این هشدار، نرخ سوم بنزین اجرا شد، اما از نگاه مجلس، این افزایش قیمت توانسته مشکل اصلی را حل کند. نمایندگان در بیانیه خود تصریح کرده اند که ناترازی بنزین همچنان برقرار است و مصرف بنزین نه تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه به بیش از ۱۳۵ میلیون لیتر در روز رسیده است. این موضوع از نگاه مجلس یک پیام روشن دارد؛ یعنی افزایش قیمت به تهایی نتوانسته مصرف را کنترل کند و ناترازی ساختاری همچنان پابرجاست.

دولت بر طبل گران سازی نکوبد

نمایندگان در بیانیه خود خطاب به پزشکین، به صراحت از دولت خواسته اند به جای افزایش قیمت، سیاست های غیرقیمتی را اجرا کنند. در این بیانیه آمده است که دولت باید تکالیف قانونی مربوط به انتقال سهمیه سوخت به کارت



نیمای سبیلی

روزنامه نگار

آمارهای تورمی تیرماه امسال، در ادامه روند یک سال گذشته، تصویری نگران کننده از وضعیت قدرت خرید خانوارها ارائه می دهد. ۸۷.۹ درصد رسید؛ یعنی خانوارها برای خرید مجموعه ای مشابه از کالاهای و خدمات، نسبت به تیرماه سال گذشته، به طور متوسط نزدیک به دو برابر هزینه می کنند. اما فشار اصلی در سبد خانوار، در بخش خوراکی ها متمرکز شده است. تورم نقطه به نقطه خوراکی ها و آشامیدنی ها به ۱۲۸.۷ درصد و تورم خود خوراکی ها به ۱۲۹.۳ درصد رسیده است. به این ترتیب، فاصله تورم خوراکی ها با تورم عمومی به حدود ۴۰ واحد درصد رسیده است؛ شکافی که معنای آن برای خانوارها چیزی جز کاهش قدرت خرید، تغییر الگوی مصرف و کوچک شدن سهم کالاهای ضروری در سفره نیست. تورم سالانه خوراکی ها و آشامیدنی ها نیز به ۹۷.۶ درصد رسیده است. بنابراین، مسئله صرفاً افزایش قیمت چند قلم کالا نیست؛ بلکه بخش مهمی از درآمد خانوار برای تأمین نیازهای اولیه زندگی صرف می شود.

گرانی هایی که مربوط به جنگ نیست

حمیدرضا حاجی بابایی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، در نشست علنی دیروز، ۱۸ مردادماه، در نقطه پیش از دستور خود صریحاً دولت را خطاب قرار داد و گفت باید بر افزایش قیمت ها نظارت بیشتری صورت گیرد. او با تفکیک میان گرانی های ناشی از شرایط جنگی و افزایش قیمت هایی که ارتباطی با جنگ ندارند، تأکید کرد: دولت باید مراقب افزایش قیمت ها باشد. حاجی بابایی افزود: گرانی هایی را که مربوط به جنگ است، مردم پذیرا هستند، اما گرانی های بی دلیلی در جامعه وجود دارد که مربوط به جنگ نیست و این گرانی ها قابل پذیرش نخواهد بود. این سخنان در شرایطی مطرح شد که دولت در ماه های گذشته بارها بر آثار شرایط جنگی تأکید کرده است. اما موضع نایب رئیس مجلس نشان می دهد بهارستان حاضر نیست همه افزایش قیمت ها را با یک عنوان توضیح دهد. حاجی بابایی

گفتار درمانی مشکلات حل نمی کند

اکنون دولت چهاردهم با یک آزمون جدی روبه روست؛ آزمونی که نتیجه آن نه در جلسات و نه در گزارش ها، بلکه در قدرت خرید مردم سنجیده خواهد شد. البته آنچه برای مردم اهمیت دارد، فراتر از این هشدارهای مجلس است؛ اینکه آیا این انتقادها در نهایت به تصمیم های عملی برای مهار تورم و تقویت قدرت خرید منجر خواهد شد یا نه. در شرایطی که مجلس پس از یک دوره تعطیلی، دوباره صدای معیشت را از صحن مجازی بلند کرده است، پاستور اکنون با یک مطالبه روشن روبه روست: مردم گرانی های تازه نمی خواهند.

نبض اقتصاد

۲۵ درصدی که هرگز به تعاون نرسید

بخش تعاون در اقتصاد ایران، براساس قانون اساسی و سیاست های کلی اصل ۴۴، یکی از ارکان اقتصاد کشور محسوب می شود؛ با این حال، فاصله میان جایگاه این بخش و سهم واقعی آن در اقتصاد همچنان قابل توجه است. براساس سیاست های کلی اصل ۴۴ و قانون اجرای این سیاست ها، افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد هدف گذاری شده بود؛ هدفی که قرار بود تا پایان برنامه پنجم توسعه محقق شود. با وجود گذشت سال ها از تعیین این هدف، به گفته بهمن عبداللهی، رئیس اتاق تعاون ایران، سهم خالص بخش تعاون از اقتصاد ملی در حال حاضر تنها حدود ۷ تا ۸ درصد است. عبداللهی دیروز با انتقاد از اجرا نشدن بخشی از احکام قانونی مربوط به تعاون، تأکید کرد که نه تنها هدف ۲۵ درصدی محقق نشده، بلکه برخی احکام قانون اساسی و قوانین مرتبط با توسعه تعاون نیز همچنان روی زمین مانده است.

یکی از مهم ترین محورهای سیاست های اصل ۴۴، واگذاری فعالیت ها و بنگاه های دولتی به بخش های غیردولتی با اولویت بخش تعاون بود. رئیس اتاق تعاون ایران می گوید: سهم بخش تعاون از واگذاری های اقتصادی کمتر از ۲ درصد بوده است. به گفته او، به جای آنکه بخش قابل توجهی از تصدی های دولتی به مردم و تشکل های تعاونی واگذار شود، بخش مهمی از واگذاری ها به بانک ها و نهاد های عمومی انجام شده است. این موضوع عملاً یکی از مهم ترین ظرفیت های قانونی برای تقویت تعاون را محدود کرده است. عبداللهی تأکید کرد: تعیین سهم ۷ تا ۸ درصدی، تصویر کاملی از ظرفیت واقعی تعاون ارائه نمی کند. به گفته وی، اگر اقتصاد ایران را به دو بخش دولتی و عمومی از یک سو و بخش غیردولتی از سوی دیگر تقسیم کنیم، سهم تعاون در اقتصاد غیردولتی به هدف پیش بینی شده نزدیک تر خواهد بود، اما سهم خالص تعاون از کل اقتصاد ملی همچنان همان ۷ تا ۸ درصد است. رئیس اتاق تعاون گفت: در صورت حل مشکلات تعاونی های سهام عدالت و تعیین تکلیف ظرفیت های موجود، سهم بخش تعاون از اقتصاد می تواند تا دو برابر میزان فعلی افزایش یابد. این موضوع نشان می دهد که بخشی از ظرفیت بالقوه تعاون هنوز در آمارهای رسمی و عملکرد اقتصادی آن منعکس نشده است.

در نهایت، فاصله میان هدف ۲۵ درصدی و سهم فعلی ۷ تا ۸ درصدی را نمی توان صرفاً به کمبود ظرفیت تعاونی ها نسبت داد. استمرار این فاصله، بیش از هر چیز، ضرورت اجرای احکام قانونی، اصلاح شیوه واگذاری ها، تأمین مالی مناسب، رفع موانع فعالیت تعاونی ها و استفاده از ظرفیت سهام عدالت را نشان می دهد. سند توسعه بخش تعاون مصوب ۱۴۰۱ نیز بار دیگر هدف دستیابی به سهم ۲۵ درصدی تعاون از تولید ناخالص ملی، منهای ارزش افزوده نفت، را مورد تأکید قرار داده است.

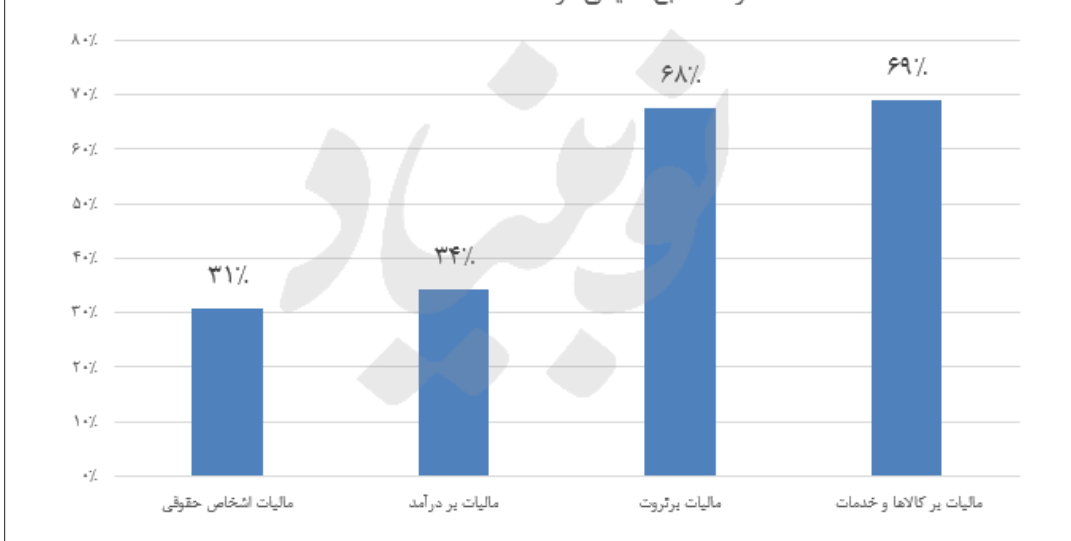
نوبنیاد گزارش می‌دهد؛

درآمد مالیاتی دولت زیر تیغ تورم

افت تولید و سرمایه‌گذاری، جنگ ۴۰ روزه، معافیت‌ها و فرار مالیاتی، دست دولت را در تأمین پایدار بودجه بسته‌اند و خطر استقراض و تشدید تورم را بالاتر برده‌اند؛ مسیری که هزینه آن را مردم می‌پردازند.

رشد ۴۶ درصدی درآمدهای مالیاتی دولت در چهار ماه نخست امسال، در ظاهر نشانه افزایش وصول مالیات است، اما با تورم بالای ۶۰ درصد، از آب‌رفتن ارزش واقعی این منابع خبر می‌دهد. رکود اقتصادی پیش از جنگ،

رشد منابع مالیاتی در ۴ ماهه نخست ۱۴۰۵



حمید کمار

روزنامه نگار

درآمدهای مالیاتی دولت در چهار ماه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۶ درصد افزایش یافته است، اما در اقتصادی با تورم بالای ۶۰ درصد، این رشد از کاهش واقعی منابع مالیاتی دولت حکایت دارد. به بیان ساده‌تر، دولت امسال مالیات بیشتری جمع کرده، اما ارزش واقعی این درآمدها نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. این اتفاق در شرایطی رخ داده که اقتصاد ایران پیش از آغاز جنگ نیز وارد دوره‌ای از رکود شده بود و کاهش تولید، افت سرمایه‌گذاری و تضعیف فعالیت بنگاه‌ها، ظرفیت اقتصاد برای تولید درآمد مالیاتی را محدود کرده بود. جنگ ۴۰ روزه نیز عامل دیگری در افت درآمدهای مالیاتی بود.

با این حال، مسئله فقط رکود و جنگ نیست. ساختار مالیاتی کشور همچنان با معافیت‌های گسترده، فرار مالیاتی و سهم پایین برخی بخش‌های اقتصادی از پرداخت مالیات مواجه است. نمونه روشن آن، مالیات مشاغل است که تنها ۳ درصد از درآمدهای مالیاتی چهار ماه نخست امسال را تشکیل داده و حتی نسبت به سال گذشته ۶ درصد کاهش یافته است. تداوم این وضعیت، در شرایط کسری بودجه، می‌تواند دولت را بیش از پیش به سمت استقراض و تأمین مالی تورم‌زا سوق دهد.

آمارهای جدید سازمان امور مالیاتی از درآمدهای مالیاتی دولت در چهار ماه نخست سال جاری نشان می‌دهد رقم این درآمدها به ۵۷۷ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به سال گذشته ۴۶ درصد افزایش داشته است. مالیات‌های مستقیم، ۳۴۸ همت، معادل ۶۰ درصد از منابع مالیاتی چهار ماه نخست امسال را تشکیل داده و نسبت به سال گذشته ۳۴ درصد افزایش یافته است. همچنین، مالیات بر کالاها و خدمات در این مدت ۲۲۹ همت، معادل ۴۰ درصد از کل منابع مالیاتی، بوده که نسبت به سال گذشته افزایش ۶۹ درصدی داشته است.

درآمد مالیاتی آب رفت

اولین نکته در ارقام منابع مالیاتی دولت در چهار ماه نخست امسال، رشد کمتر

از تورم این منابع است. در حالی که طبق گزارش دو مرجع آماری، یعنی مرکز آمار و بانک مرکزی، تورم سالانه در پایان تیرماه بالای ۶۰ درصد و تورم نقطه به نقطه بالای ۸۰ درصد بوده، رشد ۴۶ درصدی درآمدهای مالیاتی به معنای کاهش رقم حقیقی این منابع است. در نگاه اول، شاید این برداشت ایجاد شود که عامل کاهش رقم حقیقی درآمدهای مالیاتی دولت، جنگ بوده است. شواهد دیگر اما نشان می‌دهد جنگ تنها عامل کاهش رقم حقیقی درآمدهای مالیاتی نبوده است.

انرکود اقتصادی بر کاهش درآمد مالیاتی دولت

گزارش‌های اخیر مرکز آمار و بانک مرکزی از رشد اقتصادی سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد بخش غیرنفتی اقتصاد کشور در سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۳ کوچک‌تر شده است. براساس آمارهای بانک مرکزی، رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت از ۳۰۱ درصد در سال ۱۴۰۳ به منفی ۰۷ درصد در سال ۱۴۰۴ رسیده است. هم‌زمان، رشد بخش صنعت و معدن از ۲۰۴ درصد به منفی ۳۰۲ درصد، بخش کشاورزی از ۳۰۶ درصد به منفی ۴۰۲ درصد و بخش خدمات از ۳۰۳ درصد به ۱۰۲ درصد کاهش یافته است. نگران‌کننده‌تر از همه، افت ۱۱۰۹ درصدی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص است که از کاهش شدید سرمایه‌گذاری و تضعیف پایه‌ای ظرفیت تولید در اقتصاد کشور حکایت دارد.

این آمارها به وضوح نشان می‌دهد اقتصاد پیش از وقوع جنگ نیز وارد فاز رکودی شده بود. در چنین شرایطی، کوچک شدن حجم واقعی تولید، کاهش سطح تجارت و افت سودآوری بنگاه‌ها، به‌طور طبیعی پایه‌های مالیاتی را منقبض کرده و توان دولت برای وصول مالیات را کاهش می‌دهد. بررسی اعداد گزارش سازمان مالیاتی نشان می‌دهد اگر میزان رشد ردیف‌های مالیاتی با رشد کمتر از تورم سالانه ۶۶ درصد، رشدی معادل تورم سالانه داشتند، نزدیک به ۱۰۰ همت درآمد مالیاتی بیشتر محقق می‌شد.

معافیت‌هایی که مالیات را می‌بلعد

علاوه بر رکود ایجادشده در اقتصاد و

جنگ ۴۰ روزه، عامل بنیادین محدود شدن درآمدهای مالیاتی، مشکلات ناظر بر ساختار مالیاتی کشور است. یکی از مهم‌ترین این مشکلات، معافیت‌های بی‌حساب و کتاب در قوانین مالیاتی است. این معافیت‌ها که با بهانه‌های مختلفی نظیر حمایت از فعالیت‌های اقتصادی و ترویج سرمایه‌گذاری در قوانین گنجانده شده‌اند، عامل مهمی در محدود ماندن درآمدهای مالیاتی، تداوم کسری بودجه و تبعات تورمی آن هستند.

مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در یکی از گزارش‌های اخیر خود، معافیت‌های مالیاتی را ابزاری کم‌اثر در رونق تولید و البته عاملی مهم در افت درآمدهای مالیاتی دولت معرفی کرده است. این گزارش با بررسی سیاست‌های مالیاتی ده‌ها کشور به این نتیجه رسیده که مشوق‌های مالیاتی، اگرچه می‌توانند در برخی شرایط سرمایه‌گذاری را افزایش دهند، اما در بسیاری از موارد به کاهش درآمد دولت، ایجاد رانت، فساد، تخصیص نادرست منابع و حتی بی‌عدالتی مالیاتی منجر شده‌اند.

مالیات مشاغل؛ مصداق چالش ساختاری

نظام مالیاتی

نمود این مسئله را می‌توان در لابه‌لای ارقام درآمدهای مالیاتی چهار ماه نخست سال جاری مشاهده کرد. به عنوان نمونه، مالیات مشاغل تنها ۳ درصد از کل درآمدهای مالیاتی چهار ماه نخست امسال را تشکیل داده، در حالی که سهم این بخش از کل تولید ناخالص داخلی به مراتب بیشتر از این رقم است.

مالیات مشاغل همچنین در چهار ماه نخست سال جاری تنها حدود ۱۸ همت بوده که نسبت به سال گذشته نه تنها افزایش نداشته، بلکه ۶ درصد هم کاهش یافته است. بی‌تردید جنگ ۴۰ روزه یکی از عوامل مؤثر بر تضعیف مالیات مشاغل بوده، اما حمایت‌گشاد سستانه سازمان مالیاتی از مشاغل، عامل دیگری بوده که باعث شده رقم این جزء از درآمدهای مالیاتی حتی کمتر از سال گذشته شود. شفاف نبودن فعالیت‌های اقتصادی بسیاری از مشاغل نیز عامل دیگری است که باعث شده این جزء از درآمدهای مالیاتی، همواره بسیار کمتر از ظرفیت‌های این بخش باشد.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، بررسی پیامدهای منفی مشوق‌های مالیاتی است؛ بخشی که تصویری متفاوت از این ابزار سیاستی ارائه می‌دهد.

مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید می‌کند هرگونه معافیت مالیاتی در واقع نوعی «هزینه مالیاتی» برای دولت است؛ یعنی درآمدهای دولت از دریافت آن صرف‌نظر می‌کند؛ به بیان دیگر، هرگونه معافیت یا تخفیف مالیاتی به معنای کاهش درآمدهای دولت است و اگر این کاهش درآمد به سرمایه‌گذاری جدید منجر نشود، تنها فشار بیشتری بر بودجه عمومی وارد خواهد کرد.

در اقتصادهایی که با کسری بودجه مواجه هستند، این مسئله می‌تواند دولت را به سمت استقراض بیشتر سوق دهد و در نهایت به افزایش تورم بینجامد.

تالار شیشه‌ای

بازار سهام در دوراهی ادامه رشد یا اصلاح

بازار سهام دیروز و در دومین روز هفته (یکشنبه، ۱۸ مرداد ۱۴۰۵) شرایط متفاوتی نسبت به روز شنبه هفته جاری را تجربه کرد؛ به‌طوری‌که بیشتر صف‌های خرید عرضه شدند و ارزش معاملات خرد رکورد زد. بازار با برتری خریداران (تقاضا)، مانند روزهای گذشته، معاملات خود را آغاز کرد؛ به‌طوری‌که در پیش‌گشایش، ۳۷ هزار میلیارد تومان تقاضا در مقابل ۶۱۰ میلیارد تومان فروش در تابلوی معاملات ثبت شد و معاملات با سبزپوشی ۸۸ درصد نمادها آغاز شد؛ اما در پایان دادوستدها، ۵۴ درصد نمادها قرمزپوش و ۴۶ درصد سبزپوش شدند.

ارزش معاملات خرد بازار سهام با ثبت رکوردی بی‌سابقه به ۶۶ هزار و ۶۷۶ میلیارد تومان رسید که نسبت به میانگین سه‌ماهه گذشته (حدود ۲۶ هزار میلیارد تومان)، افزایش ۱۵۷۰۳ درصدی را نشان می‌دهد. رکورد قبلی معاملات خرد، معادل ۵۴ هزار میلیارد تومان، در روز ۲۶ خرداد امسال ثبت شده بود. مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس به محدوده ۹۰ هزار میلیارد تومان رسید. ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس، نیز در محدوده ۱۸ هزار و ۸۸۳ میلیارد تومان قرار گرفت.

همچنین، پس از ورود حدود ۹ هزار میلیارد تومان پول در روز شنبه، حقیقی‌ها دیروز از بازار سهام (بخش سهام و صندوق‌های سهامی) پول خارج کردند که میزان آن ۶ هزار و ۹۰۷ میلیارد تومان بود. این در حالی است که صندوق‌های سهامی و مختلط نیز با خروج ۲ هزار و ۴۸۰ میلیارد تومان از سوی سرمایه‌گذاران خرد همراه شدند. با این حال، در معاملات روز گذشته بیشترین ورود پول حقیقی به گروه‌های آهن و فولاد، تولید فلزات گران‌بهای غیرآهن و فعالیت مهندسی اختصاص پیدا کرد. شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات با ۳۹ هزار و ۶۲۴ واحد افزایش (۰۰۷۲ درصد) در ارتفاع ۵ میلیون و ۵۵۹ هزار و ۹۶۵ واحد ایستاد؛ البته شاخص کل در نیم ساعت نخست دادوستدها تا ۵ میلیون و ۶۳۲ هزار و ۷۷۳ واحد نیز پیشروی کرد، اما در ادامه با ورود فروشندگان (عرضه‌ها) مواجه شد و ۷۲ هزار واحد از رشد روزانه خود را از دست داد و در پایان در کانال ۵۰۵ میلیون واحد ماند.

شاخص هم‌وزن نیز با ۲۷۵ واحد رشد (۰۰۲ درصد) به یک میلیون و ۵۷۳ هزار و ۸۵۴ واحد رسید که نشان می‌دهد بخش مهمی از روند مثبت امروز بازار سهام، مدیون عملکرد نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز بوده است. شاخص کل فرابورس ایران نیز با رشد ۲۲ واحدی (۰۰۵ درصد) بسته شد و در محدوده ۴۵ هزار و ۵۴ واحد قرار گرفت. در جریان مبادلات دومین روز هفته، شاخص ۲۲ صنعت با افزایش همراه شد و میانگین رشد شاخص صنایع فعال بازار سهام به ۰۰۳۳ درصد رسید. در این میان، شاخص صنعت فنی و مهندسی بیشترین رشد روزانه را ثبت کرد و پس از آن، شاخص صنایع هتل و رستوران و استخراج نفت در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. در مقابل، شاخص صنایع خرده‌فروشی، محصولات چرمی و رایانه بیشترین کاهش روزانه را تجربه کردند. فعالان بازار سهام می‌گویند با توجه به رشد قیمت نمادها طی روزهای گذشته، بخشی از فروش‌های دیروز می‌تواند ناشی از شناسایی سود معامله‌گران باشد؛ از سوی دیگر، حجم بالای معاملات می‌تواند بیانگر جابه‌جایی سهام میان فروشندگان و خریداران جدید نیز باشد. بنابراین، افزایش عرضه در شرایط فعلی لزوماً به معنای تغییر روند نیست و رفتار بازار در روزهای آینده اهمیت بیشتری خواهد داشت. نگاهی به آمارها نشان می‌دهد معاملات بازار سهام دیروز در شرایطی به پایان رسید که بازار پس از چند روز رشد پرقدرت، سرانجام با موج قابل‌توجهی از فروش‌ها مواجه شد. افزایش عرضه اگرچه مانع از رشد شاخص کل نشد، اما بخش زیادی از رشد اولیه آن را پس گرفت و در نهایت، چشم‌انداز معاملات امروز را با ابهام همراه کرد.

بین الملل



رسانه صهیونیستی: بیش از ۷۰ اسرائیلی به ظن جاسوسی برای ایران بازداشت شدند

بدیعت آحارنوت در گزارشی نوشت: با گذشت زمان، مشخص می‌شود افرادی که به ظن جاسوسی برای ایران بازداشت می‌شوند، چهره‌های حاشیه‌ای نیستند. این رسانه افزود: تا به امروز، بیش از ۷۰ نفر به ظن جاسوسی بازداشت یا به اتهام جاسوسی برای ایران محکوم شده‌اند. این رسانه با اشاره به مهاجرت صهیونیست‌ها از مناطق مختلف جهان به سرزمین‌های اشغالی هم گفت: حدود یک سوم از این افراد شهروندان کشورهای جدا شده از شوروی سابق، حدود ۲۰ درصد عرب و نیمی دیگر، اسرائیلی‌های قدیمی هستند. همچنین ادامه داد: شاید برخی از افراد در ابتدای ارتباط خود با اپراتور ایرانی متوجه نشده بودند که وارد حوزه جاسوسی می‌شوند، اما اکثر آنها حتی پس از پی بردن به ماهیت آن، به فعالیت خود ادامه داده‌اند.

رادیو ارتش رژیم صهیونیستی نیز پیشتر از بازداشت بیش از ۸۰ نفر به ظن جمع‌آوری داده‌های اطلاعاتی از پایگاه‌های نظامی این رژیم خبر داده بود. این رسانه به نقل از رئیس مستعفی اداره امنیت اطلاعات ارتش اسرائیل گفته بود: در طول جنگ (۴۰ روزه)، بیش از ۳۰ تحقیق امنیتی برای شناسایی نظامیان ارتش که عکس‌ها و اطلاعات را فاش می‌کردند، آغاز شد. همچنین افزود: دستگاه امنیت داخلی اسرائیل «شاباک» بیش از ۸۰ نفر را که در داخل پایگاه‌های ارتش اسرائیل پرتیله زده و اطلاعات را جمع‌آوری می‌کردند، بازداشت کرده است.



پاسخ دندان شکن یمن به تجاوز سعودی‌ها

قاعده تازه انصارالله علیه ریاض

یمن طی ماه‌های اخیر معادله‌ای را در برابر عربستان شکل داده که در آن حتی یک تجاوز محدود نیز می‌تواند برای ریاض هزینه‌ای سنگین و فوری به همراه داشته باشد. تا جایی که انصارالله اعلام کرده است در واکنش به تنها یک مورد نقض حریم هوایی یمن از سوی پهپادهای سعودی، پالایشگاه آرامکو در جیزان را هدف قرار داده است. این تحول نشان می‌دهد صنعا در حال تثبیت قاعده‌ای تازه است که هر تجاوز، پاسخ و هرماجراجویی، هزینه‌ای مستقیم برای عمق اقتصادی عربستان خواهد داشت.

تهدیدات امنیتی را از میان ببرد، تجربه پیمان دفاعی عربستان و پاکستان باید پیش از هر چیز نتیجه خود را نشان می‌داد. اما در میدان یمن، حتی پس از آن توافق نیز نشانه‌ای از ورود مؤثر پاکستان به رویارویی مستقیم با انصارالله نباشد.

عربستان نباید تصور کند امضای یک توافق روی کاغذ می‌تواند معادله میدانی یمن را تغییر دهد. واقعیت میدان، چیز دیگری می‌گوید. یمن پس از توافق مکه حتی هزینه تجاوز تا حدی بالا برده است که تنها حضور یک پهپاد عربستانی در حریم هوایی این کشور هزینه‌های هنگفتی را برای عربستان ایجاد کرد. این موضوع پیام مهمی را به اعضای این ائتلاف و به خصوص شیوخ عربستان مخابره می‌کند.

صنعا نشان داد که برای پاسخ دادن منتظر حمله‌ای گسترده نمی‌ماند. یعنی آنچه ریاض زمانی یک اقدام محدود و کم‌هزینه تصور می‌کرد، اکنون می‌تواند با یک پاسخ دقیق، مستقیم امنیت انرژی و شریان اقتصادی عربستان را نشانه برود. یمن با ساختن چنین معادله‌ای، ابتکار عمل را از مهاجم گرفته و هزینه هر ماجراجویی تازه را پیشاپیش به ریاض گوشزد کرده است.

عربستان بهتر است پیش از آنکه جیزان و آرامکو تنها آغاز پاسخ‌های یمن باشند، از آزمودن دوباره قدرتی که پیش‌تر هزینه‌های سنگینی به بازیگران بزرگ‌تر تحمیل کرده است، پرهیز کند.

شیوخ عربستانی را باز کند و هزینه‌های تبعیت از آمریکا که با ائتلاف انگلیس و فرانسه نیز نتوانست در مقابل یمن کاری از پیش ببرد را برای آنها روشن سازد.

باید یادآور شد که دولت ترامپ در سال ۲۰۲۵ عملیات گسترده‌ای را علیه یمن آغاز کرد و آمریکا با ائتلاف انگلیس و فرانسه برای درهم شکستن توان انصارالله به بمباران‌های چند هفته‌ای زد. با این حال، در نهایت ترامپ از توقف عملیات خبر داد و آتش بس شکل گرفت. تجربه‌ای که برای صنعا به یک سابقه مهم تبدیل شد؛ حتی فشار نظامی مستقیم واشنگتن نیز به تسلیم یمن منجر نشد.

اکنون همین یمن، در برابر عربستان نیز تلاش می‌کند همان منطق را اجرا کند. یعنی تبدیل هرگونه فشار نظامی به هزینه‌ای متقابل و جلوگیری از شکل‌گیری این تصور که خاک یمن میدان بی‌هزینه عملیات دیگران است.

در چنین شرایطی، عربستان باید پیش از ورود به هرماجراجویی تازه، یک سؤال ساده را از خود بپرسد که آیا افزایش فشار بر یمن واقعاً امنیت بیشتری برای سعودی ایجاد خواهد کرد یا تنها دامنه پاسخ‌ها را گسترش خواهد داد؟

اینجا همان جایی است که باید درباره توافق مکه نیز با احتیاط برخورد کرد. اگر قرار بود صرف امضای توافقات دفاعی،



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

آنچه امروز در جنوب شبه جزیره عربستان رخ می‌دهد، نشانه تغییر یک معادله امنیتی است. یمن تلاش کرده است قاعده‌ای جدید را به طرف مقابل بفهماند. اینکه دیگر قرار نیست نقض حمله به خاک این کشور و حتی نقض حریم هوایی بدون پاسخ بماند.

در تازه‌ترین نمونه، یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، اعلام کرد نیروهای این کشور در واکنش به نقض حریم هوایی استان‌های صعده و حجه توسط پهپادهای سعودی، پالایشگاه آرامکو در جیزان را با یک فروند پهپاد هدف قرار داده‌اند.

اهمیت این حمله در نسبت میان اقدام و پاسخ است. از نگاه صنعا، یک اقدام محدود سعودی نیز دیگر اقدامی کم‌هزینه محسوب نمی‌شود. چراکه پاسخ می‌تواند مستقیماً متوجه تأسیسات اقتصادی و انرژی عربستان شود.

پالایشگاه جیزان با ظرفیت پالایش حدود ۴۰۰ هزار بشکه نفت خام در روز، یکی از تأسیسات مهم انرژی عربستان است. تأسیساتی که انفجار در آن شاید چشم

عقب نشینی آمریکا درس عبرت برای عربستان

عربستان باید روزهایی را به یاد بیاورد که ترامپ در سال ۲۰۲۵ برای درهم شکستن توان انصارالله، عملیات نظامی گسترده‌ای علیه یمن به راه انداخت و با همراهی انگلیس و فرانسه هفته‌ها یمن را زیر بمباران گرفت. اما حاصل آن همه بمب و حمله، نه تسلیم صنعا، بلکه عقب‌نشینی واشنگتن بود؛ ترامپ در نهایت ناچار شد پایان عملیات و برقراری آتش بس را اعلام کند.

یادداشت

نفت برای ترامپ، خاموشی برای ونزوئلا

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

ونزوئلا پس از ربایش نیکلاس مادورو، نه تنها روی آرامش ندیده، بلکه نشانه‌های بحران اقتصادی و اجتماعی در این کشور بار دیگر سر باز کرده است. بحرانی که این بار در خاموشی‌های گسترده و اعتراضات خیابانی خود را نشان می‌دهد. همزمان، گزارش‌ها از درآمد میلیارد دلاری آمریکا از فروش نفت ونزوئلا حکایت دارد. تصویری که این پرسش را پیش می‌کشد که اگر هدف واشنگتن نجات مردم ونزوئلا بود، چرا سهم مردم از این نجات خاموشی و سهم آمریکا از آن، میلیارد‌ها دلار نفت است؟

ماجرای ونزوئلا را باید فراتر از یک تغییر سیاسی دید. سوم ژانویه ۲۰۲۶، نیروهای آمریکایی با حمله به ونزوئلا، نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور این کشور را ربوده و از صحنه سیاسی کاراکاس کنار زدند. اقدامی که عملاً حاکمیت ملی ونزوئلا را هدف قرار داد و زمینه را برای استقرار ساختار سیاسی مورد حمایت واشنگتن فراهم کرد.

پس از برکناری مادورو، دلسی رودریگز به عنوان رئیس‌جمهور موقت و با حمایت دولت ترامپ زمام امور را در دست گرفت. اما ظاهراً نسخه آمریکایی دموکراسی در ونزوئلا یک بند مهم نیز دارد. نفت باید جریان داشته باشد، حتی اگر برق خانه‌های مردم قطع شود! گزارش‌های منتشرشده از سوی فایننشال تایمز نشان می‌دهد قطعی برق در ونزوئلا بار دیگر به بحرانی جدی تبدیل شده است. ونزوئلایی‌ها در ایالت‌های مختلف به خیابان آمده‌اند و نسبت به خاموشی‌های مداوم و رو به وخامت اعتراض کرده‌اند. دامنه اعتراضات حتی به بخش‌هایی از کاراکاس نیز رسیده؛ شهری که از سال ۲۰۱۹ تا حد زیادی از قطعی‌های برق در امان بود.

معترضان خشم خود را متوجه دولت موقت دلسی رودریگز کرده‌اند. دولتی که موجودیت و استمرار آن با حمایت واشنگتن گره خورده است. به بیان ساده‌تر، مردم ونزوئلا در حال پرداخت هزینه تغییر حکومتی هستند که آمریکا مدعی بود قرار است زندگی آنها را بهتر کند.

اما در سوی دیگر این معادله، وضعیت کاملاً متفاوت است. گزارش اوایل پرایس حاکی از آن است که از زمان در اختیار گرفتن دارایی‌های نفتی ونزوئلا توسط آمریکا، بیش از ۱۳ میلیارد دلار درآمد از فروش نفت این کشور ایجاد شده است. یعنی در همان زمانی که برق خانه‌های مردم ونزوئلا خاموش می‌شود، درآمد نفتی این کشور در مسیری قرار گرفته که واشنگتن بر آن نظارت و مدیریت دارد.

این همان نقطه‌ای است که نقاب بشردوستی کنار می‌رود. اگر آمریکا برای رفاه مردم ونزوئلا وارد عمل شده بود، طبیعی بود نخستین نشانه آن بهبود زندگی مردم، ثبات زیرساخت‌ها و کاهش مشکلات معیشتی باشد، نه اینکه نفت ونزوئلا میلیارد‌ها دلار درآمد ایجاد کند و در مقابل، پایتخت این کشور پس از هفت سال دوباره با خاموشی روبه‌رو شود.

یادداشت

ضرورت تدوین

«رژیم حقوقی خلیج فارس»

امیرشهرشهرانی
روزنامه‌نگار

یکی از موضوعاتی که در گفت‌وگوها درباره آینده تنگه هرمز به آن بی توجهی شده، لزوم تدوین «رژیم حقوقی خلیج فارس» و توافقی مشترک میان کشورهای ساحلی برای نظامی‌زدایی از این پهنه راهبردی است. متأسفانه طی ماه‌های اخیر کمتر نشانه‌ای دیده شده که سازوکار حقوقی مشترکی برای ممنوعیت حضور شناورهای نظامی بیگانه و خروج پایگاه‌های خارجی از خلیج فارس پیگیری شود. در حالی که حفظ و تثبیت حاکمیت ملی ایران بر تنگه هرمز اهمیت بنیادینی دارد، پرداختن به مسئله منع حضور نظامی بیگانگان در خلیج فارس نیز به همان اندازه حیاتی و فراموش‌شدنی نیست.

کارشناسان بارها تأکید کرده‌اند کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس باید خود به همراه ایران وارد توافقی جامع شوند تا حضور نظامی آمریکا و دیگر قدرت‌های خارجی در منطقه پایان یابد. براساس این دیدگاه، در معاهده‌ای منسجم، «خروج تدریجی نیروهای نظامی آمریکا از پایگاه‌هایش در خلیج فارس به عنوان سنگ بنای یک نظم نوین منطقه‌ای» لحاظ خواهد شد. به این ترتیب، به جای آنکه امنیت خلیج فارس را صرفاً کالایی در دست قدرت‌های فرامنطقه‌ای ببینند، کشورهای خلیج فارس مستقلاً از ابزارهای مشترک خود بهره خواهند برد.

مهم‌ترین پیامد این رویکرد، پایان دادن به حضور بیگانگان است. طبق گزارش‌ها، امروز کشورهای حوزه خلیج فارس مملو از پایگاه و یگان‌های نظامی خارجی است: برای نمونه ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین مستقر است. برچیدن این پایگاه‌ها از جمله خروج کامل آمریکایی‌ها از بحرین، قطر، کویت و عمان می‌تواند این حضور نامشروع برای آبراه حیاتی را بشکند. در نتیجه تنها کشورهای ساحلی خواهند توانست ناوگان نظامی خود را در خلیج فارس مستقر کنند و هرگونه استفاده ابزاری از این آب‌های بین‌المللی علیه ایران یا دیگر همسایگان خنثی خواهد شد.

نمونه‌ای ملموس از چنین توافقاتی در ترتیباتی در دریای کاسپین هست که حق داشتن ناوگان نظامی در خزر انحصاراً برای پنج کشور ساحلی آن قائل شده و هرگونه حضور نظامی کشورهای خارج از این مجموعه را ممنوع اعلام کرده است. نتیجه این چارچوب حقوقی مشترک، تضمین ثبات و امنیت منطقه‌ای است.

در نهایت، تعیین یک چارچوب حقوقی مشترک برای خلیج فارس و اقدام هماهنگ کشورهای ساحلی در مسیر نظامی‌زدایی و بیگانه‌زدایی در خلیج فارس، می‌تواند مهم‌ترین راهکار برای تضمین ثبات بلندمدت این خلیج راهبردی و تأمین امنیت کشورهای ساحلی باشد. غفلت از این ضرورت، می‌تواند به تشدید بی‌اعتمادی و افزایش دخالت‌های فرامنطقه‌ای منجر شود؛ در مقابل، هم‌صدایی و اقدام جمعی کشورهای ساحلی قادر است زمینه را برای شکل‌گیری آینده‌ای امن‌تر، باثبات‌تر و مستقل‌تر برای خلیج فارس فراهم کند.

«ایران ضعیف»؛ از وابستگی پهلوی تا دیپلماسی نگران از خشم غرب برجامی

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ فقط علیه یک حکومت مستبد شکل نگرفت؛ علیه نظامی نیز بود که قدرت نظامی ایران را به قدرت عاریتی و وابسته تبدیل کرده بود. امروز همان منطق با ادبیاتی تازه و شکلی بدتر باز می‌گردد؛ کمتر مقاومت کم تا کمتر تهدید شوی، امتیاز بده تا غرب عصبانی نشود و حتی عاشورا را نیز به «مدرسه مذاکره» تقلیل بده. پرسش این است که چگونه این تفکر، پس از چند دهه تجربه شکست‌خورده، هنوز در ساختار سیاست خارجی کشور تریبون و جایگاه دارد؟

نگاهی به مواضع اخیر صالحی، ظریف و دیگر برجامی‌ها در خصوص سیاست خارجی و دیپلماسی

تحریف عاشورا به نام مذاکره

بر همکاری‌های انتزاعی، اعتمادسازی و پرهیز از ناراحت کردن غرب استوار است و منطق سخت قدرت را نادیده می‌گیرد، توانسته در ساختار سیاست خارجی کشور تا این اندازه ریشه بدواند و تجربه‌های پرهزینه گذشته نیز آن را از میدان خارج نکند؟



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

پیشرفته‌ای مانند اف ۱۴ خریداری می‌کرد، اما این قدرت در چارچوب وابستگی سیاسی راهبردی به آمریکا تعریف شده بود. ایران می‌توانست سلاح قدرتمند داشته باشد، اما نمی‌توانست در نقطه‌ای که منافع واشنگتن اقتضا نمی‌کرد، از آن قدرت برای یک سیاست خارجی مستقل استفاده کند. مشکل اصلی این مدل، قدرت بدون استقلال بود.

الگوی انقلاب اسلامی در نقطه مقابل قرار گرفت: ایران باید قدرتمند باشد، اما قدرتش مستقل باشد. یعنی قدرت نظامی، علمی، هسته‌ای، اقتصادی و منطقه‌ای ایران نباید عاریتی و وابسته به رضایت قدرت‌های خارجی باشد و هیچ دولت خارجی نباید تعیین کند که سقف قدرت ایران کجاست. ایران در پرتو انقلاب اسلامی پس از قرن‌ها شکست با سلاح ایرانی جنگید و موشک‌ها و پهپادهای ایرانی منجر به این شدند که برخلاف قاجار و پهلوی در زمانه جنگ، ایران تحت فشار و محتاج کمک هیچ قدرتی نباشد.

اما الگوی سوم، که از این جهت حتی می‌تواند از مدل پهلوی خطرناک‌تر باشد، الگوی ایران ضعیف برای جلوگیری از خشم غرب است؛ تفکری که رگه‌های آن را می‌توان از نهضت آزادی تا جریان برجامی دنبال کرد. در این نگاه، مسئله فقط وابستگی نیست، بلکه اساساً قدرت مستقل ایران یک «مشکل» تلقی می‌شود؛ زیرا هرچه ایران قدرتمندتر باشد، غرب بیشتر احساس تهدید می‌کند و بنابراین برای رسیدن به آرامش باید از قدرت خود بکاهد. این تفکر اگر در نهایت به نتیجه منطقی خود برسد، می‌گوید باید از هسته‌ای تا موشک، از عمق راهبردی تا هرمز و از هر ظرفیت دیگری که قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش می‌دهد، صرف‌نظر کرد تا طرف مقابل احساس نگرانی نکند.

اینجاست که این جریان حتی از الگوی پهلوی نیز خطرناک‌تر می‌شود؛ زیرا پهلوی دست‌کم به قدرت نظامی اعتقاد داشت، هرچند آن قدرت را در چارچوب وابستگی به غرب ساخته بود، اما این تفکر اساساً می‌گوید برای اینکه غرب عصبانی نشود، نباید قدرتمند و حساسیت‌زا باشیم. این منطق سابقه تاریخی نیز دارد. در سال‌های ابتدایی انقلاب، بخشی از جریان نهضت

برگزاری نشستی در وزارت امور خارجه درباره محرم و عاشورا صحنه تحریف مجدد منش امام حسین (ع) توسط برجامی‌ها بود. اظهارات علی‌اکبر صالحی مبنی بر اینکه «عاشورا مدرسه گفت‌وگو بود و مقاومت هرگز به معنای نفی گفت‌وگو نیست» و استناد وی به گفت‌وگوهای امام حسین (ع) با سپاه کوفه، در کنار سخنان دوپهلوی عراقچی در نقد میهن‌دوستی و وفاداری به سرزمین، زمانی اهمیت پیدا می‌کند که آنها را در کنار مواضع محمدجواد ظریف و سابقه فکری جریان برجامی قرار دهیم؛ زیرا با یک منظومه فکری مواجهیم که در اشکال مختلف، یک نسخه ثابت را تجویز می‌کند: ایران برای آنکه کمتر تهدید شود، باید کمتر تهدیدکننده به نظر برسد و برای آنکه غرب عصبانی نشود، از مؤلفه‌های قدرت خود فاصله بگیرد و عقب نشینی کند.

سأله‌ها قبل رهبری شهید آیت‌الله‌عزیز علی خامنه‌ای (ره) در پاسخ محکم به تحریف حسن روحانی از قیام حسینی به درس مذاکره اظهار داشتند: «می‌گویند چرا با مذاکره با آمریکا مخالفت می‌کنید در حالی که امیرالمؤمنین با زیبر، و امام حسین با عمر سعد مذاکره کرد، امیرالمؤمنین و امام حسین در حرف زدن با زیبر و ابن‌سعد به آنها نهیب زدند و آنها را نصیحت کردند؛ بحث مذاکره به معنای امروزی نبود، مذاکره به معنای امروزی یعنی معامله و یک چیزی بگیری و یک چیزی بده، آیا امیرالمؤمنین با زیبر و امام حسین با ابن‌سعد معامله کرد؟ آیا تاریخ را این‌گونه می‌فهمید و زندگی ائمه را این‌گونه تحلیل می‌کنید؟»

سه الگوی متفاوت برای ایران

برای فهم عمق این مسئله باید میان سه الگو تمایز قائل شد: الگوی رژیم پهلوی، الگوی انقلاب اسلامی و الگوی «ایران ضعیف» نهضت آزادی که اکنون توسط برجامی‌ها پیگیری می‌شود. در الگوی پهلوی، ایران با ارتشی قدرتمند اما وابسته حکمرانی میکرد. رژیم شاه یکی از مجهزترین ارتش‌های منطقه را در اختیار داشت و تسلیحات

یادداشت

زبان فارسی را تکه تکه نکنید!

علی نقدی
 روزنامه‌نگار

گاهی برای فهمیدن عمق یک اتفاق فرهنگی لازم نیست سراغ آمار و گزارش‌های پیچیده برویم؛ کافی است به یک بیلپورد شهری نگاه کنیم که در آن زبان فارسی نه به عنوان میراث یک تمدن، بلکه همچون ماده خامی برای جلب توجه مخاطب تکه تکه شده است. ظاهراً در منطق جدید تبلیغات، هرچه قواعد زبان بیشتر شکسته شود، خلاقیت هم بیشتر شده است!

مسئله ما صرفاً یک بیلپورد نیست. زبان فارسی یکی از مهم‌ترین ستون‌های هویت ایرانی است؛ زبانی که قرن‌ها توانسته حامل ادبیات، فلسفه، تاریخ و فرهنگ این سرزمین باشد. رهبر شهید انقلاب نیز دغدغه جدی نسبت به زبان فارسی و ادبیات داشت و بارها بر اهمیت پاسداری از این میراث تأکید کرده بود. زبان برای ایشان صرفاً ابزار ارتباط نبود، بلکه بخشی از هویت و استقلال فرهنگی کشور محسوب می‌شد.

از سوی دیگر، رهبر جدید انقلاب نیز در یکی از بیانیه‌های خود بر اهمیت زبان فارسی تأکید کرده‌اند. بنابراین چگونه می‌توان پذیرفت در جمهوری اسلامی، دستگاه‌های فرهنگی و شهری اجازه دهند قواعد نوشتاری زبان فارسی برای یک ایده تبلیغاتی کنار گذاشته شود؟

ممکن است گفته شود این اقدام صرفاً یک ابتکار هنری است. اما مرز میان خلاقیت و تخریب دقیقاً همین جاست؛ هنر قرار نیست نادانی نسبت به زبان را به اسم خلاقیت بفروشد. وقتی شکل صحیح کلمات عمداً تغییر می‌کند و ساختار آشنای نوشتار برای جلب توجه مخاطب برهم می‌خورد، دیگر نمی‌توان هرج و مرج نوشتاری را با برچسب هنر و خلاقیت توجیه کرد.

اگر قرار است از هویت ایرانی سخن بگوییم، باید از زبان فارسی هم دفاع کنیم. نمی‌شود در سخنرانی‌ها از اهمیت ادبیات و زبان فارسی گفت و در عمل، در خیابان‌های شهر اجازه داد همین زبان قربانی ذائقه تبلیغاتی شود. زبان فارسی میراث یک ملت است؛ بیلپورد تبلیغاتی نیست که هرکس برای دیده شدن آن را به شکل دلخواه خود تغییر دهد.

صد اوسیما قصد دارد برندهای قدیمی خود را احیاء کند

شمشیر دولبه دنباله‌سازی

سوم سریال «روزگار جوانی» هم بعد از سال‌ها وقفه از شبکه پنجم سیما پخش شد اما نتوانست انتظارات را از خود برآورده کند و مخاطبان زیادی به دست بیاورد. در این میان چند دلیل اصلی مانع از اشتیاق مردم به تماشای روزگار جوانی شد.

چندی پیش خبر رسید که فصل جدید سریال «آژانس دوستی»، فصل چهارم «زیر آسمان شهر»، «مرد سه هزار چهره»، «کارآگاه علوی ۳» و... در مراحل مختلف تولید به سر می‌برند و قرار است به‌زودی راهی به آنتن پیدا کنند. پیش از این فصل



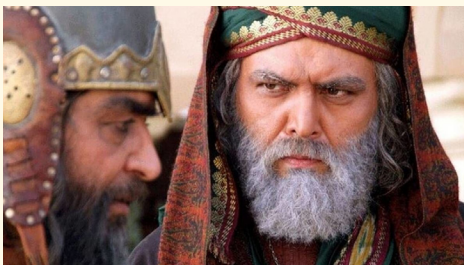
مسعود حنیفی
 روزنامه‌نگار

بازیگران و خرده داستان‌های این سریال برخلاف دو فصل نخست به گونه‌ای نبودند که بتوانند توجه دیگری را به خود معطوف کنند و مهم‌تر از آن وقفه طولانی زمانی میان قسمت‌های پخش شده باعث می‌شد تا نسل جدید مخاطبان تلویزیون نسبتی با دنباله این سریال پیدا نکنند. این ایده که برندهای سابق و امتحان‌پس‌داده تلویزیون را دوباره از نوزده کنیم اتفاق مبارکی است، ولی این مسیر باید همراه با یک استراتژی و راهبرد مشخص و شفاف باشد تا موفقیت را به‌طور شفاف در دسترس قرار دهد. برای نشان دادن راه‌های موجه در مسیر دنباله‌سازی چاره‌ج‌اشاره به مدل‌های موفق جهانی نداریم. ساخت فصل جدید یک سریال، فراتر از صرفاً ادامه‌دادن داستان است و نیازمند برنامه‌ریزی دقیق برای حفظ روح اثر است. مهم‌ترین چالش، تکامل داستان و شخصیت‌پردازی است. سازندگان باید پرسند آیا داستان هنوز حرف تازه‌ای برای گفتن دارد؟ در هالیوود، فصل‌های پایانی سریال «بازی تاج و تخت» به‌خاطر شتاب‌زدگی در روایت و نادیده گرفتن قوس شخصیت‌ها با واکنش شدید مخاطبان روبه‌رو شد. در مقابل، آثاری مانند «بریکنگ بد» در آمریکا نشان دادند که هر فصل باید شخصیت‌ها را به‌شکل ارگانیک رشد دهد، نه اینکه صرفاً گره‌های کور و جدیدی برای کش دادن داستان بسازد. نکته بعدی که باید در این میان لحاظ کرد حفظ تیم خلاق و به‌ویژه «شوورائر» یا مجری طرح است؛ در صنعت تلویزیون آمریکا، شوورائر قلب تپنده سریال است و تغییر او معمولاً به افت کیفیت و لحن اثر منجر می‌شود.

این ثبات در میان تولیدات اروپایی هم اهمیت بالایی دارد؛ به عنوان مثال، سریال دانمارکی «قتل» یا همان (The Killing) توانست با حفظ تیم نویسندگی اصلی خود در طول سه فصل، انسجام و کیفیت بی‌نظیری را ارائه دهد و اعتماد مخاطب را جلب کند.

شنبه شب به پایان رسید، در مجموع حدود دو میلیون بازدید در تلویزیون به ثبت رسانده است.

مختارنامه نخستین بار در سال ۱۳۸۹ از شبکه یک سیما روی آنتن رفت و پس از آن بارها از شبکه‌های مختلف تلویزیونی بازپخش شد؛ با این حال، تکرار پخش آن نه تنها از میزان استقبال مخاطبان کم نکرده، بلکه همچنان یکی از آثار پرمخاطب تلویزیون در بازپخش‌های مناسبتی و دوره‌ای به شمار می‌رود. این میزان بازدید را می‌توان نشانه‌ای از ماندگاری برخی تولیدات سطح بالای تلویزیونی دانست؛ آثاری که با وجود گذشت سال‌ها از تولید، همچنان برای مخاطب جذابیت دارند و می‌توانند در رقابت با تولیدات جدید نیز دیده شوند. این میزان از توجه مخاطب نشان از ظرفیت بالای روایت‌های تاریخ صدر اسلام و شیعه دارد.



سریال تلویزیونی «مختارنامه» ساخته داوود میرباقری، حتی پس از گذشت بیش از یک دهه از نخستین پخش، همچنان توانسته مخاطبان خود را پای تلویزیون و پلتفرم‌های پخش آنلاین نگه دارد. بازپخش اخیر این مجموعه از شبکه آی‌فیلم که

یادداشت

دغدغه وزیر ارشاد؛ فرهنگ یا

بازگشت خوانندگان لس آنجلسی؟

سعید مصباح
 روزنامه‌نگار

سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در اظهار نظری درباره بازگشت خوانندگان خارج‌نشین به کشور گفته است: «مسیرهای چندجانبه‌ای برای بازگشت هنرمندان خارج‌نشین وجود دارد و از قبل صحبت بوده و همچنان هم پیگیر هستیم». شاید بد نباشد وزیر فرهنگ به جای کلی‌گویی درباره مسیرهای چندجانبه، یک بار هم برای افکار عمومی توضیح دهد که در وضعیت اسفبار فرهنگی کشور، چرا بازگشت خوانندگان لس آنجلسی تبدیل به مسئله‌ای قابل پیگیری برای وزارتخانه شده است؟ در شبکه نمایش خانگی، برخی پلتفرم‌ها عملاً در حال عبور از خطوط قرمز قانونی و فرهنگی هستند؛ از آثاری که به روایت‌های تحریف‌شده و تظہیرکننده از ساواک و رژیم پهلوی نزدیک می‌شوند تا تولیداتی که بنیان خانواده و ارزش‌های اخلاقی جامعه را هدف قرار می‌دهند و حتی تبلیغ اموری که از منظر شرعی و قانونی محل اشکال‌اند. آیا وزارت ارشاد برای این وضعیت برنامه‌ای دارد یا قرار است مسئله فرهنگ را با بازگشت چند خواننده خارج‌نشین حل کند؟

سینمای ایران هم حال و روز بهتری ندارد. سینمایی که نه افق روشنی برای آینده کشور ترسیم می‌کند و نه توانسته در عرصه جهانی به یک روایت قدرتمند و هویت‌مند از ایران تبدیل شود. موسیقی نیز گرفتار ابتذال، شهرت‌طلبی و منطق بازار شده و بخش مهمی از ظرفیت فرهنگی کشور بلااستفاده مانده است.

با این حال، وزیر فرهنگ از پیگیری بازگشت هنرمندان خارج‌نشین سخن می‌گوید. مسئله اینجاست که آیا اولویت وزارت فرهنگ در شرایط فعلی، بازگرداندن خوانندگانی است که سال‌ها خارج از ساختار فرهنگی کشور فعالیت کرده‌اند و برخی از آنها در عناد کامل با انقلاب اسلامی قرار دارند یا سامان دادن به فرهنگی که همین امروز در داخل کشور در حال تضعیف است؟

اگر وزارت ارشاد واقعاً متولی فرهنگ است، ابتدا باید نشان دهد با قانون‌شکنی پلتفرم‌ها، ابتذال فرهنگی، بحران سینما و آشفته‌گی موسیقی و حتی مسئله حجاب چه کرده است. فرهنگ ایران بیش از آنکه به بازگشت خوانندگان لس آنجلسی نیاز داشته باشد، به مدیری نیاز دارد که بتواند برای آن افق بسازد نه اینکه با گفتار پوپولیستی از زیر بار مسئولیت‌شانه خالی کند.

مختارنامه

همچنان بیننده

دارد؛ بازدید

۲ میلیونی در

تلویزیون